



Evaluation of Crimes against the Security of the Country

Hossein Ghasemi Hoseinabadi¹, Mojtaba Ghafari*², Ali Rezvani³

1. PhD Student of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Mahdishahr Branch, Islamic Azad University, Mahdishahr, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 217-229

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0001-7223-4146

TELL: +000000000000

Email: dr.ghafari32@gmail.com

Article history:

Received: 27 Jan 2024

Revised: 04 May 2024

Accepted: 23 Jul 2024

Published online: 22 Sep 2024

Keywords:

Crimes against Security, Espionage, Destruction of Public Property, War, Collusion against Security.

ABSTRACT

Crimes against the country's security are among the most important crimes, the various dimensions of which are discussed and disputed by jurists. Accordingly, the purpose of this article is to evaluate the crimes against the country's security. This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data. In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed. The findings showed that according to the legal approvals, the most important crimes against foreign security include crimes such as: treason and espionage and the most important crimes against internal security also include: Inciting people to kill and war with the intention of disrupting security, destroying public property, ammunition depots, armories, ships and airplanes and the like, attempts on the life of the leader or the president, opening centers of corruption and prostitution, destruction of public property, community and collusion against internal or external security are punishable by law. has determined for them. The result is that we are faced with a kind of fragmentation and lack of prioritization, conflict or contradiction of laws, partiality and non-compliance with the principles of law writing in the crimes against internal and external security in Iran's penal code. In the field of sentencing, there is no clear sentencing in the field of crimes against security in the Penal Code of the Islamic Republic of Iran.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Ghasemi Hoseinabadi, H; Ghafari, M & Rezvani, A (2024). "Evaluation of Crimes against the Security of the Country". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 4(3): 217-229.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۳

ارزیابی جرایم علیه امنیت کشور

حسین قاسمی حسین‌آبادی^۱، مجتبی غفاری^{۲*}، علی رضوانی^۳

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۲. استادیار، گروه معارف، واحد مهدیشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، مهدیشهر، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه معارف، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

چکیده

جرایم علیه امنیت کشور از مهم‌ترین جرایمی است که ابعاد مختلف آن مورد بحث و اختلاف نظر حقوق‌دانان است. بر همین اساس، هدف مقاله حاضر ارزیابی جرایم علیه امنیت کشور است. مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد باتوجه به مصوبات قانونی اهم جرایم علیه امنیت خارجی شامل جرایمی، مانند خیانت به کشور و جاسوسی می‌باشد و اهم جرایم علیه امنیت داخلی نیز شامل تحریک مردم به کشتار و جنگ به نیت برهم‌زدن امنیت، تخریب اموال عمومی، انبار مهمات، اسلحه‌خانه‌ها، کشتی و هواپیما و نظایر آن، سوء‌قصد به جان رهبر یا رییس جمهور، دایر نمودن مراکز فساد و فحشاء، تخریب اموال عمومی، اجتماع و تبانی بر ضد امنیت داخلی یا خارجی می‌باشد که مقنن مجازات‌هایی برای آن‌ها تعیین کرده است، نتیجه این که در جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی در قانون مجازات ایران با نوعی پراکندگی و عدم اولویت‌بندی، تعارض یا تناقض قوانین، جزئی‌نگری و عدم رعایت اصول قانون‌نویسی روبه‌رو هستیم. در زمینه کیفرگذاری نیز کیفرگذاری شفاف و روشن در حوزه جرایم علیه امنیت در قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران مشاهده نمی‌شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۱۷-۲۲۹

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد آرکیو: ۴۱۴۶-۷۲۲۳-۰۰۰۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

ایمیل: dr.ghafari32@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۷

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

جرایم علیه امنیت، جاسوسی، تخریب اموال عمومی، محاربه، تبانی علیه امنیت.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

مفهوم امنیت یکی از دغدغه‌های همیشگی جوامع بشری است مفهومی سهل و ممتنع، سهل از آن جهت که برای همگان قابل درک و معروف است و ممتنع از آن جهت که ارائه تعریفی همه‌جانبه و دقیق از آن باتوجه به شرایط هر جامعه دشوار بر گاهی ناممکن است، می‌توان گفت امنیت شرایطی است که در چهارچوب آن افراد در مقابل خطرات تهدیدات و زبان‌های ناشی از زندگی اجتماعی مورد حمایت جامعه قرار می‌گیرند، به‌طور کلی امنیت و مصونیت از تصرف اجباری، تعرض بدون رضایت و در مورد افراد نبود ترس و دلهره نسبت به آزادی مشروع فردی و اجتماعی و به خطراتدان این حقوق آزادی‌ها و مصون‌ماندن از تهدیدات، بیماری‌ها، فقر و حوادث و عواملی که آرامش انسان‌ها را بر هم بزند، تعریف شده است. بزرگ‌ترین دغدغه انسان‌ها در جوامع، داشتن امنیت در مقولات مختلف زندگی، از جمله در زمینه‌های جانی، اقتصادی، فرهنگی است. حاکمان و وضع‌کنندگان قوانین نیز به این موضوع توجه خاص داشته و می‌توان گفت سابقه توجه آنان به این موضوع بیشتر از توجه آنان به حقوق افراد و اشخاص و یا حقوق خصوصی بوده و جرم‌انگاری جرایم علیه امنیت مقدم بر سایر جرم‌انگاری‌ها بوده است. درخصوص جرایم علیه امنیت پژوهش‌های متعددی انجام شده است. قربانپور در مقاله‌ای به بررسی مفهوم امنیت ملی و نقش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تأمین آن پرداخته است (قربانپور و قربانپور، ۱۳۹۷: ۲۴-۱). پوربافرانی در پژوهشی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی را مورد بررسی قرار داده است (پوربافرانی، ۱۳۹۱: ۶۴-۴۵). تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به سایر پژوهش‌های انجام‌شده این است که در این مقاله به ارزیابی جرایم علیه امنیت کشور پرداخته می‌شود. بر همین اساس سؤال مقاله بدین‌شکل قابل طرح است که جرایم علیه امنیت کشور چگونه قابل ارزیابی است؟ فرضیه مقاله نیز عبارت است از این‌که «به‌نظر می‌رسد در جرایم علیه امنیت کلی نوعی عدم اولویت‌بندی، پراکندگی تعارض یا تناقض قوانین به چشم می‌خورد که نیازمند اصلاح است.» به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا مفهوم جرایم علیه امنیت داخلی و

خارجی بررسی شده و در ادامه این جرایم نقد و ارزیابی شده است.

۱- جرایم علیه امنیت

امنیت مترادف با شرایط صلح تعریف شده است و صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که امنیت جنبه تأمینی دارد و فقدان تهدید نسبت به منافع ملی یک کشور برابر با امنیت کشور خواهد بود، برخی از صاحب‌نظران مانند «گاتلینگ» مفهوم (امنیت اطمینان‌بخش) را ارائه کرده‌اند و امنیت را هم معنی با ریشه کنی خشونت از جوامع انسانی بیان کرده‌اند، بنابراین هر نظام سیاسی مهم‌ترین وظیفه خود را برقراری امنیت ملی دانسته و با هرگونه تهدید ضدامنیتی به مقابله می‌پردازند (قربانپور و قربانپور، ۱۳۹۷: ۲۴-۱).

امنیت از ریشه لاتین به‌معنی نداشتن دلهره و دغدغه استخراج شده است، امنیت و احساس نیاز به آن را می‌توان از اساسی‌ترین نیازهای ذاتی بشر دانست، امنیت در زمینه‌های داخلی و بین‌المللی یک موضوع بحث‌انگیز محافل حقوقی و علمی است. آرنولد ولفرز بر این باور است که امنیت یک مفهوم ارزشی است و در مفاهیم فقدان تهدید، امنیت در برابر ارزش‌های معین در معنی نبود ترس از حمله علیه این ارزش‌ها ناشی می‌شود، اتحاد و توانایی یک ملت برای حفظ ارزش‌های ملی در مقابل تهدیدات خارجی امنیت ملی نام دارد (قربانپور و قربانپور، ۱۳۹۷: ۲۴-۱).

جرایم علیه امنیت کشور شرح مشخصی ندارند و دامنه فراوانی از مصادیق را شامل می‌شود که در قانون مجازات اسلامی و قوانین متفرقه می‌توان آن‌ها را شناسایی کرد، اما مهم‌ترین مصداق این نوع جرایم جرم بغی است. همچنین سوءقصد نسبت به مقامات داخلی و خارجی نمونه این جرم است، اما چنین عنوانی به آن‌ها اطلاق نشده است (زراعت، ۱۳۹۳: ۴۰۹).

در این نوع جرایم مراحل بسیار مقدماتی جرم که اصولاً از لحاظ مبانی حقوق کیفری عمومی، داخل در شروع به جرم هم به‌شمار نمی‌آید، مستقلاً توسط قانون‌گذار مورد جرم‌انگاری قرار می‌گیرد. نمونه آن ماده ۵۰۳ قانون مجازات اسلامی

جرم علیه امنیت داخلی انجام شده است (عقیق و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴۰-۱۰۴). به عبارت دیگر اگر جرایم امنیتی در خارج از کشور انجام شود، باید جرم علیه امنیت خارجی و اگر در داخل کشور ارتکاب یابد جزء جرایم علیه امنیت داخلی قرار بگیرد، البته اگر جرایم علیه امنیت در داخل ارتکاب یابد، اما با توسل به بیگانگان و یاری آن‌ها باشد، در این حالت، هرچند جرم در داخل کشور ارتکاب یافته، اما جرم علیه امنیت خارجی محسوب می‌شود (پوربافرانی، ۱۳۹۵: ۲۲). معیار ذهنی جرایم علیه امنیت خارجی مبنی بر براندازی حکومت و نظام است، درحالی‌که در جرایم ضدامنیت داخلی قصد به هم‌زدن امنیت و نظم عمومی هدف مجرمان است، براساس این معیار در جرایم علیه امنیت خارجی استقلال کشور در برابر دشمنان خارجی مطرح می‌شود، درحالی‌که در جرایم ضدامنیت داخلی، مجرمان در داخل کشور اقداماتی را انجام می‌دهد و سعی در برهم‌زدن ثبات موجود دارند، در جرایم علیه امنیت خارجی، استقلال و تمامیت ارضی کشور مورد حمله و خدشه واقع می‌شود (پوربافرانی، ۱۳۹۵: ۲۲/۱).

براساس ماده ۱ قانون تعزیرات ۱۳۶۲ هر فردی با دولت‌های خارجی یا مأموران آن‌ها برای دشمنی و جنگ با جمهوری اسلامی ایران زمینه‌چینی کند یا به زمینه‌چینی آن‌ها ملحق شود و منجر به فراهم آمدن جنگ با دولت جمهوری اسلامی شود، محارب به‌شمار می‌آید. منظور از زمینه‌چینی یا اسباب چینی اقدامات و عملیات‌های خائنانه شفاهی عملی یا کتبی است که با نقشه‌های معین و توافقی با کشورهای خارجی صورت پذیرد و ممکن است در اشکال تحریک، تطمیع و تشویق و دیگر اقدامات توطئه‌آمیز دیگر پدیدار شود که در نهایت دولت خارجی وارد جنگ یا خصومت با جمهوری اسلامی ایران شود، هرچند قانون‌گذار این هنجارشکن را محارب به‌شمار می‌آورد، اما همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این قانون با تعریف محاربه و شرایط معتبر در تحقق آن مطابقت ندارد، لذا باید گفت در حکم محاربه است و قید اصطلاحی محاربه در این ماده قانونی صرفاً برای تعیین مجازات فرد بوده است، لازم به‌ذکر است در قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ این عنوان مجرمانه حذف گردیده است (کریمی و احمدی، ۱۴۰۲: ۷۶-۵۱). جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی

مصوب ۱۳۷۰ است، جرم‌انگاری مصادیقی که اصولاً باید تحت عنوان شرایط معاونت در جرم قرار گیرند، به صورت مستقل در این قلمرو فراوان دیده می‌شوند و جرم‌انگاری جرایم مطلق در این حوزه زیاد است و به سوءنیت و انگیزه مجرم یا مجرمان در این جرایم نگاه خاصی می‌شود، در نهایت این‌که دادگاه‌های خاص هم صلاحیت رسیدگی به این جرایم را دارند (پوربافرانی، ۱۳۹۱: ۶۴-۴۵). امنیت اساسی‌ترین نیاز هر جامعه و مهم‌ترین عامل دوام اجتماعی به‌شمار می‌آید، صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند هنگامی در جامعه امنیت برقرار است که هیچ نوع تهدیدی وجود نداشته باشد (قربانپور و قربانپور، ۱۳۹۷: ۲۴-۱). در حقوق جزای اسلام قوانین متعددی به جهت حفظ امنیت جامعه اسلامی، تأمین آسایش و امنیت عمومی، استقرار عدالت اجتماعی و اجرای موازین شرعی اسلام و در نهایت اصلاح مجرم و بازگشت او به جامعه تدوین شده‌اند، در بین مجموعه قوانین مصوب، قوانینی در زمینه جرایم علیه امنیت کشور در دو حوزه داخلی و خارجی به تصویب و اجرا رسیده‌اند.

یکی از جرایم عمومی، جرایم سیاسی یا بغی است. جرایم سیاسی با دیگر جرایم در ماهیت هیچ نوع تفاوتی ندارد، هر دوی آن‌ها در محل بزه و آلات جرم یکسان‌اند فقط در انگیزه‌های مجرمانه با هم تفاوت دارند. در جرم سیاسی مجرم سیاسی برای تحقق اهداف سیاسی و انگیزه‌های سیاسی مرتکب جرم می‌شود، اما در جرایم عادی اصل بر این است که انگیزه جرم نیز عادی باشند (عوده، ۱۳۹۰: ۱۱۰/۱).

در یک گروه‌بندی کلی جرایم علیه امنیت به دو گروه جرایم ضدامنیت خارجی بر جرایم ضدامنیت داخلی تقسیم‌بندی می‌شود، در سال ۱۳۰۴ قانون مجازات عمومی به تقلید از قانون مجازات ۱۸۱۰ کشور فرانسه این تقسیم‌بندی را برای جرایم ضدامنیتی پذیرفت و اعلام کرد. در طبقه‌بندی این جرایم دو معیار اساسی وجود داشته: یکی معیار عینی و دیگری معیار ذهنی. بر مبنای معیار عینی گفته‌اند وقتی موجبات ارتکاب جرمی علیه امنیت در خارج از کشور فراهم گردد، جرم علیه امنیت خارجی تحقق یافته است و برعکس اگر جرایم علیه امنیت بدون کمک بیگانگان و در داخل کشور انجام شود،

مأموران دولتی که مسؤول حفاظت اطلاعات طبقه‌بندی‌شده هستند.

ارائه نقشه‌های دولتی به دشمن از دیگر جرایم علیه امنیت خارجی است. براساس ماده ۵ قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ چنانچه کارمندی عمداً و با نقشه از پیش تعیین‌شده اصرار و نقشه‌های دولتی مانند کروکی اسلحه‌خانه‌ها، انبارها، بنادر، اسکله‌های دولتی، پایگاه‌های نظامی و نقشه‌های جنگی را به دولت متخاصم ارائه نماید، در حکم محارب بوده است. در قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ این حکم به صراحت اعلام نشده است، اما به نظر می‌رسد که هرکس مرتکب عمل ذکر شده باشد، مشمول ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی خواهد شد (مجیدی و تاج‌آبادی، ۱۳۹۸: ۳۱۶-۲۸۹).

علاوه بر این، تحریک نظامیان به پیوستن به دشمنان از دیگر جرایم علیه امنیت خارجی است. براساس ماده ۵۰۴ قانون مجازات اسلامی هر فردی نیروهای نظامی را تحریک به عدم فرمانبری، فرار، عصیان و براندازی حکومت و شکست نیروهای خودی در برابر دشمنان تشویق کند، محارب به‌شمار می‌آید. باتوجه به آنچه گفته شد، واضح است عمل مجرم در این قانون متشکل از عناصر محاربه نیست، اما آثار عمل مجرم در حکم محاربه به‌شمار می‌آید، زیرا هیچ‌گونه سلاحی از سوی فاعل به‌کار نرفته است، اما به علت آثار عمل او قانون‌گذار او را در شرایط خاصی در حکم محارب شناخته و مجازات محارب را برای او پیش‌بینی کرده است.

از دیگر جرایم علیه امنیت خارجی، اخفای جاسوسان دشمن است. براساس ماده ۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ هر فرد در شرایط جنگی با نیت کمک به دشمن زمینه اخفا یا سبب اخفای جاسوسان و سربازان دولت دشمن را فراهم آورد، در حکم محارب است، اما در قانون ۵۱۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ مخفی‌کردن جاسوسانی که مأمور تفتیش یا واردکردن هر نوع لطمه به جمهوری اسلامی بودند یا فراهم‌کردن شرایط و اسباب اخفای آن‌ها را فراهم آورد، مشمول مجازات حبس از شش‌ماه تا سه‌سال هستند و به هیچ‌وجه مرتکب چنین عملی محارب محسوب نمی‌شود، اما چنانچه نظامیانی جاسوسی را مخفی یا پناه دهند، چنانچه مجازات جاسوس

شامل هرگونه فعالیت یا عملی است که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم باعث تهدید یا آسیب به امنیت کشور می‌شود. این اقدامات می‌تواند شامل جرایم مرتبط با تروریسم، جاسوسی، فروش مواد مخدر، قاچاق انسان، سرقت اطلاعات و دزدی از اموال دولتی و خصوصی باشد.

۱-۱- جرایم علیه امنیت خارجی

همکاری و مساعدت با دشمن از دیگر جرایم علیه امنیت خارجی است. براساس ماده ۲ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ هر فردی وسایل ورود دشمنان بیگانه را به داخل کشور ایران یا متصرفات آن فراهم کند و با دشمنان همکاری داشته باشد و آن‌ها را به شهر، قلعه، استحکامات، سربازخانه‌ها، مواضع نظامی، هواپیما و کشتی و مخازن آن‌ها که متعلق به دولت است، به تصرف دشمن درآورد و برای دشمن امکانات نقدی، مهمات، اسلحه و موجبات موفقیت دشمن را فراهم آورد و به طور کلی زمینه دسترسی به دشمن را فراهم نماید، محارب به‌شمار می‌آید. باید یادآوری کرد که این مصادیق ذکرشده با تعاریف محارب مطابقت ندارد، بلکه از موارد در حکم محاربه هستند و ذکر کلمه محارب برای تعیین مجازات مجرم به‌کار رفته است. در قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ قانون‌گذار بدون بیان مصادیق همکاری با دشمن به‌طور کلی هر نوع مساعدت با دشمنان متخاصم را مشمول کیفر حبس از یک تا ده سال اعلام کرده است. همچنین هر فرد نظامی که با دشمنان با هدف براندازی یا دشمنان تباری و همکاری داشته باشد، مجازات محارب برای او در نظر گرفته می‌شود، در غیر این صورت مشمول ۳ تا ۱۵ سال حبس برای او پیش‌بینی شده است (گلدوست جویباری، ۱۳۸۷: ۱۱۸-۱۱۷).

یکی‌دیگر از جرایم علیه امنیت خارجی، گزارش اسرار، تصمیمات دولتی و نظامی به دشمن است. براساس ماده ۴ قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ هر یک از مأمورین دولتی اسرار مذاکرات یا تصمیمات دولتی و نظامی را بدون اجازه و عمداً به دشمنان تسلیم کنند، در حکم محارب بوده و مجازات محارب برای آن اجرا خواهد شد، اما حکم مذکور در قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ بیان نشده است، قانون‌گذار برای

قیام مسلحانه یا بغی مجرم یا مجرمان مستقیماً با حکمرانان و حاکمان درگیر می‌شوند و با هدف سرنگونی و مقابله با آن‌ها قیام می‌کنند، بنابراین از نظر فقهی بغی به معنی خروج از طاعت امام یا حاکم عادل است و شیخ طوسی بغی را خروج از پیروی از امام و جنگیدن با او و خودداری از پیروی از حق می‌داند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۳۳۵/۵). عنصر قانونی این جرم ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی می‌باشد و طبق این ماده گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کند باغی محسوب می‌شود. رکن مادی جرم بغی، قیام مسلحانه و رکن معنوی آن قصد براندازی و مقابله با نظام است. صرف مخالفت و تظاهرات گروهی ولو با استفاده از سلاح بدون این‌که قصد براندازی حکومت باشد، مصداق جرم بغی نمی‌باشد.

احتمالاً قانون‌گذار بر این عقیده بوده است که جمهوری اسلامی ایران پیروی حکومت پیامبر است، بنابراین افرادی که به مقابله با آن برمی‌خیزند، مصادیق جنگ‌کنندگان با رسول خدا و خداوند هستند که در آیه فوق آمده است، می‌باشد، با دقت در آیه چنین برمی‌آید که قیام‌کنندگان علیه حکومت اسلامی، از نظر فقهی در گروه بغی قرار می‌گیرند و از مصادیق آیه مذکور واقع نمی‌شود. همچنین بین بغی و محاربه تفاوت‌های زیادی وجود دارد، از جمله آن‌که فقها معمولاً از بغی تحت عنوان یک جرم یاد نمی‌کنند و همچنین احکام محاربه از جرایم مستوجب حد است، در حالی که جرایم جرم‌انگاری بغی از حیث مقررات فقهی صرفاً می‌تواند داخل در قلمرو تعزیرات باشد (پوربافرانی، ۱۳۹۱: ۶۴-۴۵).

تحریک مردم به جنگ و کشتار یکدیگر به قصد برهم‌زدن امنیت داخلی از دیگر جرایم علیه امنیت داخلی است.

براساس ماده ۱۰ قانون تعزیرات ۱۳۶۲ هرکسی که مردم را با نیت برهم‌زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار یکدیگر تحریک کند و زمینه قتل و غارت را فراهم سازد، در حکم محاربه خواهد بود، اما در قانون ۵۱۲ مصوب ۱۳۷۵ هرکس مردم را با نیت برهم‌زدن امنیت داخلی کشور به جنگ و کشتار تحریک کند، صرف نظر از این‌که زمینه قتل و غارت را فراهم کرده یا نه، به یک تا پنج سال حبس محکوم می‌شود.

مجازات اعدام باشد، به حبس سه تا ۱۵ سال محکوم می‌شود (گلدوست جویباری، ۱۳۸۷: ۱۲۰). این جرم نیز مانند سایر جرایم دارای سه عنصر قانونی و مادی و معنوی می‌باشد و مصادیق آن هم به قرار ذیل است: داخل شدن به مواضع برای سرقت نقشه و ...، تخلیه اطلاعاتی یا بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی‌شده، مخفی کردن جاسوسان یا فراهم کردن موجبات اخفای آن‌ها، جذب و معرفی افراد به دولت بیگانه جهت جاسوسی.

۱-۲- جرایم علیه امنیت داخلی

بغی یکی از مهم‌ترین جرایم علیه امنیت داخلی است. در علم فقه مجرمان سیاسی بغی و گروه مجرمان باغیه نام دارند. فقها بر این عقیده‌اند که بغا افرادی هستند که علیه امام قیام می‌کنند، برای قیام خود توجیه پذیرفتنی دارند و از قدرت و اقتدار گروهی برخوردار هستند و یا این‌که گروهی از مسلمانان هستند که با امام اعظم یا جانشین او به دلایلی مخالف هستند (عوده، ۱۳۹۰: ۱۱۱/۱). واژه «بغی» اصطلاحی عربی و دارای معانی متعدد، مانند بازگشت از حق، تجاوز، فساد، عمل منافی عفت، کبر، قصب درخواست همراه با تجاوز و ... است و «باغی» اسم فاعل و به معنای فرد ظالم و متکبر است و جمع آن «بغات» می‌باشند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۷۸/۱۴). این واژه در ۹۵ موضوع از آیات قرآنی بیان شده است و در معانی درخواست، ستم، شایستگی و زنا آمده است. معنای لغوی بغی نزدیک به معنای فقهی و حقوقی آن می‌باشند، زیرا باغی نسبت به حاکمان ستم و سرپیچی می‌کنند (زراعت، ۱۳۹۳: ۴۱۸).

از دیگر جرایم علیه امنیت داخلی، قیام مسلحانه است. مقنن از قیام مسلحانه چنین تعریفی ارائه کرده است: «قیام مسلحانه گروهی یا جمعیتی دارای تشکیلات علیه حکومت اسلامی» باتوجه به این تعریف ساده تفاوت جوهری قیام مسلحانه یا بغی با محاربه کاملاً واضح و هویدا است، در محاربه مجرم با برکشیدن سلاح بر روی عموم مردم قصد اعراب آن‌ها را دارد، در شرایع اسلامی در تعریف محاربه آمده است: محارب کسی است که برای ترساندن مردم سلاح بر روی آن‌ها بکشد (محقق حلی، ۱۴۰۳: ۱۸۰/۴)، در حالی که در

خواهد داشت و در حکم محاربه محسوب می‌شود. باتوجه به این قانون می‌توان گفت هدف قانون‌گذار از قیدکردن موارد فوق به‌عنوان مصادیق محاربه و افسادفی‌الارض به این علت باشد که جرایم ذکرشده جنبه خصومت شخصی نداشته، بلکه شرایط محاربه مبنی‌بر استفاده از اسلحه مخرب یا ابزار آتش زا و یا هر وسیله‌ای که به‌منظور ایجاد فساد و سلب آرامش و امنیت انجام شده باشد» (گلدوست جویباری، ۱۳۸۷: ۱۴۲).

از دیگر جرایم علیه امنیت داخلی، اجتماع و تبانی برای جرایم ضدامنیتی است. براساس ماده ۸۸ قانون تعزیرات ۱۳۶۲ هرگاه دو یا چند نفر تبانی و اجتماعی داشته باشند که به موجب آن جرایمی ضدامنیت (چه داخلی و چه خارجی) و با هدف براندازی حکومت جمهوری اسلامی و اعتراض و تخریب اموال مردم را مرتکب شوند و یا تبانی به‌جهت تهیه ابزار و وسایل ارتکاب جرم را داشته باشند، چنانچه در حد صدق محاربه و افسادفی‌الارض باشد، به مجازات محکوم هستند، اما در ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مقرر شده است که اجتماع و تبانی دو یا چند نفر با هدف ارتکاب جرایمی ضدامنیتی و یا تهیه وسایل جرم عنوان محاربه بر آن صدق کند، مجازات محارب و در غیر این صورت دارای حبس خواهد بود و براساس ماده ۶۱۱ مصوب ۱۳۷۵ اجتماع و تبانی دو یا چند نفر با هدف ارتکاب جرایم علیه امنیت، اعتراض یا تهدید نفوس و اموال مردم و تدارک مقدمات اجرایی جرم باشد، از مصادیق محاربه به‌شمار نیامده و دارای مجازات تعزیری از حبس شش‌ماه تا سه‌سال خواهد بود (گلدوست جویباری، ۱۳۸۷: ۱۴۲). در مواد ۱۸۶ تا ۱۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ سه جرم قیام مسلحانه علیه حکومت، طرح‌ریزی برای براندازی حکومت و جرم نامزدشدن برای دسیسه کودتا جرم‌انگاری شده‌اند، قانون‌گذار این سه جرم را در مجموعه محاربه ذکر کرده است و مرتکبین این جرایم را محارب اعلام کرده است (پوربافرانی، ۱۳۹۱: ۴۴-۴۵).

همچنین می‌توان به جرایم محاربه و افسادفی‌الارض در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اشاره کرد. براساس ماده ۹۶ قانون جدید تخفیف مجازات محکومان در حدود موازین

در ادامه جرایم علیه امنیت داخلی، باید به تخریب انبار مهمات و اسلحه اشاره کرد. براساس ماده ۱۲ قانون تعزیرات ۱۳۶۲ هر فردی که عمدتاً و با سوءنیت و خیانت انبار اسلحه و مهمات یا کشتی‌ها و هواپیماها، مواضع و پایگاه‌های نظامی و دولتی را تخریب و بسوزاند، در صورتی که با هدف براندازی حکومت و فساد این هنجارشکنی‌ها را مرتکب شود، در حکم محارب خواهد بود و در قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ این جرم حذف شده است (گلدوست جویباری، ۱۳۸۷: ۱۴۰). سوءقصد به جان رهبر و ریاست جمهور از دیگر جرایم علیه امنیت است. براساس ماده ۱۴ قانون تعزیرات ۱۳۶۲: «هر فردی با سوءنیت و با هدف مقابله با حکومت نسبت به جان رهبر یا رئیس جمهور سوءقصد داشته باشد، حتی اگر بعد از شروع جرم و دسیسه به عللی که خارج از اراده مرتکب و مجرم است، بلااثر بماند، در حکم محارب است»، اما در قانون ۵۱۵ مصوب ۱۳۷۵ سوءقصد به جان رهبر و هر یک از قوای سه‌گانه و مراجع تقلید، چنانچه محاربه نباشد، مشمول حبس سه تا ده‌سال خواهد بود.

دایرکردن مراکز فساد و فحشا، ازجمله جرایم علیه امنیت داخلی است. «براساس ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات ۱۳۶۲ هر کسی که مرکز فساد و فحشا راه‌اندازی کند و مردم را به فساد و فحشا به کشاند و آن‌ها را به فساد تشویق کند و موجبات آن را فراهم نماید، در صورتی که عمل او باعث لطمه به عفت عمومی شود و مجرم با علم به سببیت آن را مرتکب شود، مجازات مفسدفی‌الارض برای آن در نظر گرفته می‌شود» (گلدوست جویباری، ۱۳۸۷: ۱۴۱).

تخریب اموال عمومی از دیگر جرایم علیه داخلی است. براساس ماده ۱۲۶ قانون تعزیرات ۱۳۶۲: «هر فردی که به صورت عمدی بنا، کارگاه، کارخانه، انبار و هر محل مسکونی یا غیرمسکونی، خرمن و هر نوع محصول زراعی و اشجار و مزارع و باغ‌ها متعلق به غیر را به آتش بکشاند، در صورتی که با نیت مقابله با حکومت اسلامی این جرم را مرتکب شده باشد، از مصادیق محاربه و افسادفی‌الارض به‌شمار می‌آید و مجازات محارب برای آن در نظر گرفته می‌شود.»

«به‌موجب تبصره ۱ ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نیز در حالتی که اعمال ذکرشده با هدف مقابله با حکومت اسلامی صورت گرفته باشد، مجازات محارب را

به‌هرنحو فعالیت تبلیغی نماید، به حبس از سه‌ماه تا یک‌سال محکوم می‌شود.» در صدر ماده ۵۰۰ قانون اشاره به هرکس با صور عمومی شده است، یعنی هرکس شامل افراد با شخصیت حقیقی موضوع و فاعل جرم در نظر گرفته شده و اشخاص حقوقی از مضمول ماده خارج هستند و درصورت ارتکاب جرم توسط اشخاص حقوقی لاجرم طبق نص صریح ماده فوق‌الاشعار، مدیران و مسؤولان اشخاص حقوقی مشمول مجازات خواهند بود و درخصوص ابقای فعالیت اشخاص حقوقی، سخنی در این ماده به میان نیامده است (حبیب‌زاده، ۱۳۹۰: ۷۸).

در مورد جرم تبلیغ علیه نظام، یکی از مهم‌ترین ارکان تحقق آن جرم و انتساب آن به مرتکب، اثبات رکن معنوی می‌باشد. درواقع میان عمل فعالیت تبلیغی و مرتکب آن عمل می‌بایست، رابطه روانی (یا رابطه ارادی) و عمد در ارتکاب جرم وجود داشته باشد. قصد مجرمانه یا همان سوءنیت دارای انواعی است که عبارتند از: سوءنیت عام و سوءنیت خاص. باتوجه به این‌که جرم تبلیغ علیه نظام یک جرم عمدی است و نیاز به سوءنیت عام و خاص جهت اثبات وقوع آن دارد، بنابراین برای انتساب بزه مزبور به مرتکب، احراز اراده ارتکاب فعل و وجود قصد مجرمانه برای ارتکاب آن فعل ضرورت دارد.

۲- نقد و ارزیابی جرایم علیه امنیت

در این قسمت به ارزیابی و نقد جرایم علیه امنیت پرداخته می‌شود.

۲-۱- فقدان سیستم مجرمیت عاریتی

در کشورهای دارای نظام حقوقی مدون مانند: فرانسه و ایران برخلاف نظام حقوقی کامن‌لا سیستم مجرمیت عاریتی در زمینه معاونت در جرایم پذیرفته شده است. براساس این سیستم معاونت در ارتکاب جرم رکن قانونی خود را از جرایم اصلی عاریت می‌گیرند، بنابراین هر عملی که جرم باشد، مشارکت و معاونت در آن هم جرم است و اگر عملی جرم نباشد، معاونت و مشارکت در آن هم جرم محسوب نمی‌شود، به‌عبارت دیگر لازم نیست که قانون‌گذار تمام اعمال مجرمانه را به‌صورت خاص و جداگانه و معاونت در آن‌ها را جرم بداند،

اسلامی بعد از پیشنهاد رییس قوه قضاییه یا مقام معظم رهبری امکان‌پذیر است و این موضوع مشابه حکمی است که در ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی سابق نیز بیان شده است در آیین‌نامه کمیسیون و تخفیف مجازات محکومین که در دوازدهم آذرماه ۱۳۸۷ به تصویب رسیده است، شرایط و ضوابط تخفیف و عفو مجازات محکومین اعلام شده است، در این قانون عفو برای اولین‌بار در قانون‌گذاری‌های بعد از انقلاب اسلامی مطرح شده است و مقنن موارد سقوط مجازات را بدین‌صورت بیان نموده است: نسخ قانون، گذشت شاک، مرور زمان، توبه مجرم و اعمال قاعده درآ خواهد بود. عفو خصوصی مبنی بر احکام قطعی است، بنابراین احکام غیابی قابل واخواهی یا احکام قابل تجدید نظر مشمول عفو خصوصی قرار نمی‌گیرند، به‌علاوه باید توجه داشت که بنابر ماده فوق عفو خصوصی صرفاً درخصوص محکومان و نه متهمان مجزا است. عفو عمومی صرفاً درخصوص جرایم تعزیری قابل اعمال است، بنابراین در جرایم حدی و قصاص قابل اعمال نبوده و مجازات‌های قصاص و دیه به‌علت آن‌که از حقوق حق‌الناس تلقی می‌شود، مشمول قانون عفو نمی‌شود. مجازات‌های حدود فقط در موارد خاص، مانند ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی و باوجود شرایطی، مانند توبه بعد از آن‌که جرم با اقرار متهم به اثبات رسیده باشد، ممکن است مشمول عفو قرار بگیرد. براساس ماده ۹۸ قانون عفو همه آثار محکومیت را منتفی می‌کند، اما تأثیری در پرداخت دیه و جبران خسارات زیان‌دیده ندارد. براساس موارد ذکرشده محاربه و افسادفی‌الارض تعزیری با رعایت شرایطی قابل عفو بوده، اما محاربه و افسادفی‌الارض حدی مشمول عفو نخواهد بود (زهره‌منش رستمی، ۱۳۹۷: ۹۰).

تبلیغ علیه نظام یا به نفع گروه‌های مخالف نظام از دیگر جرایم علیه امنیت داخلی است. در قانون مجازات اسلامی در فصل اول کتاب پنجم، یعنی کتاب تعزیرات و مجازات بازدارنده، ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی به جرم تبلیغ علیه نظام اشاره کرده است و این ترتیب و اولویت نشان‌دهنده اهمیت موضوع از دید قانون‌گذار است. متن ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی بدین‌شرح است: «هرکس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام،

ساماندهی می‌شوند، نتیجه‌ای جز پراکندگی قانون‌گذاری به بار نمی‌آید، اگرچه عمده این جرایم ذیل کتاب دوم (حدود) و فصل نهم، بغی و افساد فی الارض و جرایم ذیل کتاب تعزیرات در فصل اول، در جرایم ضدامنیت داخلی و خارجی کشور و فصل دوم، اهانت به مقدسات مذهبی و سوءقصد به مقامات داخلی و فصل سوم، در سوءقصد به مقامات سیاسی خارجی قانون مجازات اسلامی احصا شده است، لکن به صورت پراکنده در کتاب تعزیرات مورد اشاره قرار گرفته است. این درحالی است که در قانون مجازات آلمان در بخش ویژه این قانون، جرایم علیه امنیت داخلی و امنیت خارجی در چندین فصل بیان شده است و در ساختار جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی پراکندگی مشاهده نمی‌شود. درخصوص عدم اولویت‌بندی نیز اگر بخش اختصاصی قانون مجازات اسلامی را کتاب‌های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات بدانیم، جرایم علیه امنیت در قانون مجازات اسلامی اولویت‌بندی نشده است.

۲-۳- تعارض یا تناقض قوانین

تعارض و تناقضات قانونی از نتایج پراکنده تقنینی است که این تناقضات در جرایم علیه امنیت به‌وضوح قابل مشاهده است. قانون‌گذار جمهوری اسلامی ابتدا در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ کلیات، حدود، دیات و قصاص را جرم‌انگاری و در باب هفتم کتاب حدود، در مواد ۱۸۳ تا ۱۹۶ موضوع محاربه و افساد فی الارض را تبیین کرده است. در رویکرد این قانون، محاربه، افساد فی الارض و بغی به‌عنوان یک عنوان عام محاربه جرم‌انگاری شده که سبب انتقاد بسیاری از حقوق‌دانان و فقیهان قرار گرفته است. از این رو در قانون جدید مجازات اسلامی که در سال ۱۳۹۲ تصویب شده، ضمن تمایز این عناوین به تبیین آنان در ذیل فصل هشتم کتاب حدود (محاربه) در مواد ۲۷۹ تا ۲۸۵ و فصل نهم کتاب حدود (بغی و افساد فی الارض) در مواد ۲۸۶ تا ۲۸۸ پرداخته شده است و در تعریف جدید خود، در عنصر مادی جرم محاربه، از ضابطه دست به سلاح بردن تبعیت کرده و برخی از مصادیق محاربه را از جمله نامزدشدن برای تصدی یکی از پست‌های حساس حکومت کودتا که طبق ماده ۱۸۸ ق.م.ا ۱۳۷۰ به‌عنوان یکی از مصادیق محاربه ذکر شده بود، حذف

بلکه کافی است براساس یک ماده کلی معاونت در تمام جرایم را جرم اعلام کرده و برای آن مجازات تعیین نماید، کاری که قانون‌گذار در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ و قانون فرانسه در ماده ۷ تا ۱۲۱ قانون جزای فرانسه مصوبه سال ۱۹۹۲ انجام داده‌اند (کلانتری و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۷۲-۵۶۱). از اصلی‌ترین معایب این سیستم این است که اگر فرد مورد معاونت جرم مورد نظر را انجام نداده باشد، عمل مشارکت یا معاونت هم جرم نیست، به عبارت دیگر شرط تحقق معاونت، ارتکاب جرم اصلی توسط فرد است یکی‌دیگر از عیوب این سیستم این است که اگر عمل مورد تحریک جرم نباشد، مانند خودکشی معاونت در آن هم جرم به‌شمار نمی‌آید، هرچند در ماهیت این جرم عملی غیراخلاقی، زشت و ناپسند باشد، درحالی‌که موارد ذکرشده از مصادیق معاونت در جرم است و قاعدتاً باید در مباحث حوزه معاونت در جرم و شرایط آن قرار بگیرد، اما قانون‌گذار به علت اهمیت این جرایم و خطرناکی آن برای نظم و امنیت عمومی کشور آن را صرف نظر از ارتکاب به قتل و غارت توسط تحریک‌شدگان جرم قابل مجازات اعلام کرده است و مقرر کرده است: «صرف نظر از این‌که موجب قتل و غارت شود یا نشود» درواقع مقنن این قسمت از تحریکات را از زمره مباحث معاونت در جرایم خارج کرده و به صورت مستقل جرم‌انگاری نموده است. نمونه دیگر تحریک نیروهای مسلح به عصیان یا فرار است که موضوع ماده ۵۰۴ قانون مجازات اسلامی را به خود اختصاص داده است. همچنین جرم جاسوسان و جذب جاسوس در ماده ۵۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نیز از این نمونه‌ها است. باتوجه به آنچه گفته شد که صراحتاً می‌توان گفت موارد ذکرشده نوعی عدول از اصول حقوق کیفری عمومی به‌شمار می‌آید که نشانگر سختگیری مقنن در زمینه اهمیت جرم‌انگاری مرتکبین جرایم ضدامنیتی است (پوربافرانی، ۱۳۹۵: ۱۷/۱-۱۶).

۲-۲- پراکندگی و عدم اولویت‌بندی

قانون‌گذاری پراکنده به‌وضوح در جرایم علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مشاهده می‌شود. این قانون‌گذاری موردی، اغلب به نقض قواعد عام می‌انجامد و وقتی موارد ویژه‌ای با جزئیات قابل توجه توسط قوانین متعدد تمشیت و

ایران در حوزه جرایم مذکور وارد است که کارآمدی و ثمربخشی این قوانین را در معرض تهدید قرار داده است. در واقع نتایج درخصوص ساختار محتوایی بیانگر این امر است که در قانون مجازات اسلامی درخصوص جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی نوعی پراکندگی و ابهام در ساختار مفاد قانونی وجود دارد. در حقوق کیفری ایران تقسیم‌بندی جرایم به شکل صحیحی انجام نگرفته، جرایم علیه امنیت در قسمت خاصی از قانون مجازات اسلامی به صورت منسجم مطرح نشده است.

یکی از نقدهای وارده به جرایم علیه امنیت در حقوق ایران، عدم جامعیت است. «قانون باید به گونه‌ای تدوین شود که حکم هر قضیه در آن مشخص باشد و قضات تا حد ممکن با خلأ یا نقص قانون روبه‌رو نگردند. قانون‌گذار نباید از به کار بردن نهایت وسع، دقت و جامع‌نگری در امر تقنین شانه خالی کند» (محمدی جورکویه، ۱۳۸۳: ۱۷۶-۱۵۷). با نگاهی گذرا به قوانین جمهوری اسلامی ایران در حوزه جاسوسی، می‌توان نگرش جزئی‌نگر قانون‌گذار را در قوانین موضوعه مشاهده کرد، قانون‌گذار تلاش کرده است در حوزه‌های اطلاعات و ضداطلاعات، تنها موضوع ارائه اطلاعات را جرم‌انگاری کند و توجهی به همکاری یا تأثیرگذاری در تصمیمات و مصوبات نظام با هدایت دشمن و صور دیگر جاسوسی نکرده است. قانون‌گذار در ماده ۵۰۸ ق.م.ا، افزون بر محدود کردن همکاری با کشورهای خارجی و منحصر کردن آن به متخاصم، صرفاً به کشورهای بیگانه بسنده نکرده است. این در حالی است که بسیاری از مأموران و نهادهای اطلاعاتی با پوشش‌های موجه یا حتی با عناوین تجاری مبادرت به اقدام‌های اطلاعاتی می‌کنند که این امر در قانون کیفری ایران جرم‌انگاری نشده است.

۲-۵- ابهام درخصوص محاربه

یکی از جرایم شناخته‌شده در قانون مجازات اسلامی که محل امنیت جامعه به‌شمار می‌رود، محاربه است. تا قبل از انقلاب اسلامی محاربه در جرایم وجود نداشت و فقط بحث مفسدین علیه امنیت داشتیم که مجازات آن اعدام بود (مجیدی، ۱۳۸۶: ۱۰۵). رکن مادی جرم محاربه کشیدن سلاح و رکن معنوی

نمود. این اقدام، اگرچه ارزنده محسوب می‌شود، قانون مجازات اسلامی را دچار تناقضات تقنینی کرده است (عقیق و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴۰-۱۰۴). تعارضات تقنینی قانون‌گذار در حوزه جرایم علیه امنیت، سبب شده است که برخی معتقد باشند با نگاهی بر قوانینی که درباره حکم محارب بودن ذکر شده، می‌توان نتیجه گرفت که قانون‌گذار ایران برای شمول عنوان محاربه نسبت به عمل مرتکب، بیش از آن که به ضابطه دست به اسلحه‌بردن توجه کند، به آثار جرم (ضابطه نوعی) یا قصد فاعل (ضابطه شخصی) که همان ایجاد اخلال و برهم‌زدن امنیت و ... است، توجه کرده است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۹: ۵۲/۳). تعارضات و تناقضات قوانین را در جرایم دیگری نیز می‌توان مشاهده کرد، قانون‌گذار در سال ۱۳۷۰ در جرم‌انگاری جرایم سازمان‌یافته امنیتی، در مواد ۱۸۶ و ۱۸۷ ق.م.ا (منسوخ‌شده) عضویت و هواداری را که آگاهانه و همراه با تلاش مؤثر باشد و هر نوع پشتیبانی را در تشکل‌های سازمان‌یافته مسلح، ولو آن‌که در شاخه نظامی آن نباشند، جرم‌انگاری حداکثری کرد و آنان را محارب دانست. بعدها در سال ۱۳۷۵ در مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ ق.م.ا صرف عضویت (عنصر مادی حالت) را در گروه‌های غیرمحارب جرم‌انگاری کرد و هیچ‌گونه قیدی مانند همراه با تلاش مؤثر برای آن قرار نداد، در حالی که موضوع این ماده گروه‌های غیرمحارب بود که به مراتب از گروه‌های محارب عنوان خفیف‌تری دارد. اگر عضویت در تشکل یا گروه به قصد برهم زدن امنیت جرم باشد، به طریق اولی باید عضویت در گروه، تشکل محارب نیز جرم باشد، اما قانون‌گذار آن را جرم‌انگاری نکرده و آن را با مقید به تلاش تأثیرگذار کرده بود.

۲-۴- پراکندگی و عدم جامعیت

بررسی قوانین کیفری ایران در حوزه جرایم امنیتی بیانگر آن است که نواقص و اشکالات عدیده‌ای، از جمله نارسایی‌ها، ابهامات قوانین مانند پراکندگی تقنینی، تعارض یا تناقض قوانین، ابهام و کلی‌گویی عناوین مجرمانه، عدم جامعیت و همچنین اثربخشی معکوس قوانین و تشدید هنجارشکنی شامل برچسب‌زنی نامتقارن، تقلیل عناوین مجرمانه، تأکید ویژه بر جرایم سخت به جای توجه بر ضابطه نوعی، عدم رعایت سیاست‌گذاری هوشمندانه و پلکانی به قوانین کیفری

شوند، هرچند دست به هیچ اقدامی نزده باشند و مرتکب قتل یا جرمی نشده باشند. همچنین باتوجه به این که این مجازات جزء مجازات‌های حدی است، قابل تخفیف و تعلیق یا تبدیل به دیگر مجازات‌ها نخواهد بود (زراعت، ۱۳۹۳: ۳۶۱-۳۶۰). حقوق کیفری ایران در زمینه جرایم امنیتی، از شفافیت لازم برخوردار نیست. واژگان مبهم و کلی در مهم‌ترین متن قانونی جرایم اقتصادی مانند اخلال، عمده، کلان و فراوان بدون تعریف و تعیین قلمرو آن سبب تفسیرهای گوناگون و سردرگمی قضات، شکات، متهمان و وکلای آن‌ها می‌شود و در نهایت موفقیت لازم در مبارزه با جرایم اقتصادی را به دنبال ندارد.

نتیجه‌گیری

در حقوق کیفری ایران، قانون‌گذار در قوانین کیفری در حوزه امنیت، تمامی انواع عنصر مادی شامل، فعل، ترک فعل و حالت را جرم‌انگاری نموده است، با این وجود در تدوین این قوانین از یک الگوی ثابت در جرم‌انگاری و میزان مجازات تبعیت نکرده و معیارهای مختلفی را مد نظر قرار داده است، در برخی موارد از الگو و ملاک‌های خود تخطی کرده و در برخی موارد دیگر نیز چنان دایره جرم را محدود کرده که بسیاری از مصادیق مجرمانه خارج از عنوان جزایی قرار می‌گیرد. مجازات‌ها در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی در حقوق کیفری ایران بسیار سنگین است. در مواردی که تحت عنوان محاربه و افساد فی الارض قرار می‌گیرد، مجازات اعدام تعیین شده است.

در قانون مجازات ۱۳۹۲، جرایم محاربه و بغی از هم تفکیک شدند. جرایم بغی در ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی به این صورت تعریف شده است: «گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران قیام مسلحانه داشته باشند، باغی محسوب می‌شوند و در صورتی که از سلاح استفاده کنند، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم خواهند شد.» درباره این ماده، اشاره به نکات زیر ضروری است:

۱- در این ماده به گروه اشاره شده و از تشکیلات گروهی سخن آمده است که در ماده ۱۸۶ قانون مصوب ۱۳۷۰ نامی از گروه برده نشده است، شاید عدم اشاره به تشکیلات و

آن قصد تعرض به جان، مال و ناموس مردم است. جنبه عمومی در تحقق جرم محاربه ضروری است و اگر عمل مرتکب جنبه عمومی نداشته و صرفاً هدف وی بر روی شخص خاصی باشد، محاربه به‌شمار نمی‌رود. صرف کشیدن سلاح مصداق جرم محاربه نمی‌باشد و مرتکب باید هدفی خاص (تعرض به جان و مال و ترساندن مردم) داشته باشد. کشیدن سلاح مستلزم استفاده عملی از آن نمی‌باشد، یعنی در صورتی که مرتکب با هدف برهم‌زنی امنیت جامعه، سلاح خود را بکشد، ولی از آن هیچ استفاده‌ای نکند، مصداق جرم محاربه است. همچنین برهم‌زدن امنیت از طریق سرقت مسلحانه نیز جرم محاربه محسوب می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۹: ۵۹/۳). مطابق ماده ۲۸۰ قانون مجازات اسلامی، فرد یا گروهی که برای دفاع و مقابله با محاربان دست به اسلحه ببرد، محارب نیست. مجازات محاربه در قانون مجازات اسلامی بسیار شدید و اعدام است. ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مربوط به محاربه می‌باشد، اما قانون‌گذار این جرم را با مصادیق فراوان دیگری، از جمله جرایم ضدحکومتی پیوند داده است و دامنه آن را تسریع بخشیده است، حال سؤال این است که آیا در تمامی این موارد باید مجازات ذکرشده در ماده ۲۸۲ را اعمال کرد یا خیر؟ در اینجا دو احتمال مطرح است: نخست این که در تمامی این موارد یکی از مجازات‌های تعیین شده در ماده ۲۸۲ اعمال شود؛ احتمال دیگر این که این مجازات صرفاً برای محاربه در معنای خاص آن است، یعنی محاربه‌ای که به‌صورت مسلحانه و همراه با ترس مردم و اخذ اموال آن‌ها صورت پذیرد. در روایات شرعی این مجازات‌ها را برای جرایمی مثل قتل و گرفتن اموال مطرح کرده‌اند که در حین محاربه اتفاق افتاده است، وگرنه صرفاً محاربه بدون این که همراه با یکی از نتایج آن باشد، مستوجب مجازات سنگین قتل یا صلب نخواهد بود و ماهیت گوناگون مجازات‌ها نیز قرینه‌ای بر تأیید این احتمالات است.

احتمال دوم معقول‌تر است و با منابع شرعی هم سازگاری بیشتری دارد و قوانین و مقررات موضوعه احتمال اول را مرجع می‌سازد، لذا افرادی که طرح براندازی حکومت را با برنامه‌هایی نظامی طراحی کرده‌اند، به تشخیص دادگاه ممکن است کشته یا دست و پایشان قطع شود و یا به تبعید محکوم

میزان افزایش خطرات ناشی از اعمال مجرمانه، تبعیت شود، فاصله زمانی در تصویب قوانین مختلف سبب شده است که قانون‌گذار از نگرش واحد و اسلوب مشخص پیروی نکند که این امر، تجدید نظر در برخی مواد قانونی را ضروری ساخته است.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: به صورت برابر بوده است.

تشکر و قدردانی: لازم است از تمام کسانی که در تدوین این مقاله ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

- ابن منظور، محمد ابن مكرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*. جلد چهاردهم، چاپ هفتم، بیروت: داربیروت.

- پوربافرانی، حسن (۱۳۹۱). «تحلیل جرم قیام مسلحانه». *مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، ۴(۶): ۴۵-۶۴.

- پوربافرانی، حسن (۱۳۹۵). *حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی)*. جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل / جاودانه.

- حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۹۰). *اندیشه‌های حقوقی (مجموعه مقالات حقوق کیفری اختصاصی)*. چاپ اول، تهران: انتشارات نگاه بینه.

- زراعت، عباس (۱۳۹۳). *شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی حدود شامل سب‌النبی، مصرف مسکر، سرقت، محاربه، بغی و افساد فی الارض*. چاپ چهارم، تهران: انتشارات جاودانه / جنگل.

نبودن اقدام گروهی بدین‌خاطر باشد که ممکن است گروه فاقد سازمان‌یافتگی و رهبری باشند، در این زمینه میرمحمدصادقی بر این عقیده است که قانون‌گذار در ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی قیام مسلحانه را برخواسته از یک تشکیلات نظام‌مند می‌داند، در غیر این صورت دلیلی برای اشاره کردن به گروه و عدم اشاره به فرد در ماده فوق وجود ندارد، اما درباره اعضای گروه در این ماده صراحتی وجود ندارد، همان‌طور که در ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ نیز تعداد اعضای گروه مشخص نشده است. حقوق‌دانان بر این عقیده‌اند که وجود حداقل سه نفر برای تحقق جرم ضروری است و در ماده ۲۸۷ قانون مجازات نیز باتوجه به این‌که قیام مسلحانه ضدنظام حکومت اسلامی ایران با اندک جمعیت غیرممکن است، در ماده ۴۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نیز از تشکیل دسته، گروه، شعبه و جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور سخن به میان می‌آورد و اصل تفسیر به نفع متهم نیز ایجاب می‌کند که منظور از گروه تعدادی بیش از دو نفر باشد (زهره منش رستمی، ۱۳۹۷: ۵۸).

۲- در ماده فوق منظور از عنوان قیام مسلحانه، برداشتن اسلحه بر ضداساس حکومت است و باتوجه به عبارت «و در صورت استفاده از سلاح» به نظر می‌آید افرادی از نظر قانون‌گذار باغی و مستحق مجازات اعدام هستند که دست به اسلحه برده، نه این‌که تنها عضو گروه باغی باشند.

باتوجه به دسترس بودن آسان اینترنت در زندگی امروزی و فراهم بودن زمینه‌ای وسیع به جهت تشکیک عقاید از سوی دشمنان داخلی و خارجی نظارت و کنترل این حوزه یکی از ملزومات پیشگیری از این نوع هنجارشکنی‌ها و از همه مهم تر انحراف افکار عمومی است. پیشنهاد می‌شود قوانین پیشگیرانه در زمینه فعالیت‌های گروه‌های اینترنتی در زمینه جرایم ضدحکومتی بیش از پیش مورد به‌روزرسانی قرار گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود، قانون‌گذار با عنایت به مشکلات مذکور در جرایم علیه امنیت، مصادیق این جرایم را مجدداً مورد واکاوی قرار داده تا در تدوین قوانین جدید، از یک اصول و شاکله مشخص در میزان افزایش مجازات در برابر

- زهره‌منش رستمی، حسینعلی (۱۳۹۷). *بعی، محاربه و افسادفی الارض در بستر تحولات حقوق کیفری ایران*. چاپ اول، گرگان: انتشارات نوروزی.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). *الخلاص*. جلد پنجم، چاپ نهم، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- عقیق، سیدروح‌الله؛ صالحی، کریم و برخوردار، عارف (۱۴۰۱). «نادیده‌انگاری بایسته‌های تقنینی در قوانین کیفری ایران در حوزه جرایم علیه امنیت». *فصلنامه دانش حقوق عمومی*، ۱۱(۳۸): ۱۰۴-۱۴۰.
- عوده، عبدالقادر (۱۳۹۰). *بررسی تطبیقی حقوق جزای اسلامی و قوانین عرفی*. ترجمه حسن فرهودی‌نیا، جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر شرکت بین‌المللی پژوهش و نشر یادآوران.
- قربانپور، علی و قربانپور، محمد (۱۳۹۷). «مفهوم امنیت ملی و نقش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تأمین آن». تهران: نخستین جشنواره تألیفات علمی برتر علوم انسانی (جایزه ویژه علامه جعفری (رض)).
- کریمی، محمدکاظم و احمدی، سیدمهدی (۱۴۰۲). «تحلیل محاربه در جرایم علیه امنیت و نظم عمومی کشور». *مجله پژوهش‌های حقوقی قانون یار*، ۶(۲۳): ۵۱-۷۶.
- کلانتری، سیدنصیر؛ شاطری پوراصفهانی، شهید و سپهری، روح‌الله (۱۴۰۱). «بررسی تطبیقی جرم‌انگاری امنیت مدار در جرایم علیه امنیت ملی (مطالعه موردی حقوق کیفری ایران و فرانسه)». *مجله جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۴(۲۸): ۵۶۱-۵۷۲.
- گلدوست جویباری، رجب (۱۳۸۷). *جرایم علیه امنیت کشور*. بررسی فقهی و حقوقی محاربه و جرایم مشابه. تهران: انتشارات جنگل / جاودانه.
- مجیدی، سیدمحمود (۱۳۸۶). *جرایم علیه امنیت*. چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- مجیدی، سیدمحمود و تاج‌آبادی، فاطمه (۱۳۹۸). «تکنیک های جرم‌انگاری امنیت‌مدار در حقوق کیفری ایران». *مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، ۱۱(۲۱): ۲۸۹-۳۱۶.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۳). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. جلد چهارم، چاپ سوم، بیروت: دارالاضواء.
- محمدی جورکویه، علی (۱۳۸۳). «نقد ساختار قانون مجازات اسلامی». *مجله حقوق اسلامی*، ۱(۱): ۱۵۷-۱۷۶.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۹). *حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی)*. جلد سوم، چاپ بیست و پنجم، تهران: نشر میزان.